

فصلنامه امنیت ملی
سال نهم، شماره ۳۳، پاییز ۱۳۹۸
مقاله پنجم از صفحه ۱۱۳ الی ۱۴۰

مقاله پژوهشی: راهبردهای پسابرجامی آمریکا علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

اصغر افتخاری^۱ و عباس خیراتی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۶

چکیده

برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) توافقی ذیل برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بود که در ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ پس از امضای وزرای خارجه ایران و کشورهای ۵+۱ به تصویب شورای امنیت سازمان ملل متحد رسید. علی‌رغم اجرای کامل تعهدات این توافق از سوی ایران، دولت آمریکا بر اساس استراتژی خود از برجام خارج گردید و چالش جدیدی را در این حوزه برای جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌الملل فراهم نمود. در این مقاله با هدف کمک به تصمیم‌گیران جهت ارتقای ضریب امنیت ملی کشور از طریق شناسایی راهبردهای آمریکا برای خروج از برجام، پس از بیان رویکرد دو کشور به موضوع برجام با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، از طریق ایجاد «کارگروه نخبگانی و تکنیک مصاحبه عمیق» به تحلیل و استخراج راهبردهای آمریکا در خروج از برجام علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است.

بر اساس نتایج به دست آمده منطبق با رویکرد آمریکا در خروج از برجام، راهبردهای اصلی این کشور در شش حوزه شامل: وادار به تسلیم نمودن جمهوری اسلامی ایران از طریق اعمال تحریم‌های شدید اقتصادی، براندازی جمهوری اسلامی ایران از طریق ایجاد بی‌ثباتی و تغییر رژیم، مهار ایران از طریق محدودسازی برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران، حل چالش منطقه جنوب غرب آسیا از طریق بازآرایی قدرت و کاهش نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، انزوای ایران از طریق وادار نمودن جمهوری اسلامی ایران به نقض برجام و جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی ایران به مزایای برجام از طریق نقض قطعنامه ۲۲۳۱ شناسایی و دسته‌بندی گردیدند.

کلیدواژه‌ها: برجام، پسابرجام، آمریکا

۱. استاد علوم سیاسی دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع) - Eftekhari@isu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی پدافند غیرعامل دانشگاه عالی دفاع ملی، (نویسنده مسئول) -

abbas.kheyraati@gmail.com

مقدمه:

ایران پیش از توافق هسته‌ای، زیر فصل هفتم منشور ملل متحد قرار داشت. در چارچوب این فصل، قطعنامه‌های تحریمی شدیدی علیه جمهوری اسلامی ایران که به انواع فشارهای اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک علیه تهدیدکننده، نقض‌کننده یا متجاوز به صلح بین‌المللی مربوط است، صادر و بر اساس آن‌ها طیف گسترده‌ای از تحریم‌ها در بخش‌های مختلف علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال گردید. این تحریم‌ها علاوه بر تأثیر بر بخش‌های مختلف اقتصاد ایران، جمهوری اسلامی ایران را به مسئله‌ای امنیتی در نظام بین‌الملل تبدیل نمود به نحوی که فضای امنیتی علیه ایران به شکل بی‌سابقه‌ای تشدید و روند آن صعودی گردید. تداوم چنین فضایی می‌توانست پیامدهای نامناسبی برای جمهوری اسلامی ایران در پی داشته باشد. دولت یازدهم در راستای پایان دادن به بحران هسته‌ای، موضوع را پیگیری و با وجود تمام فراز و نشیب‌ها و تمدیدهای چندباره گفتگوها، بالاخره پس از تفاهمی سیاسی بر سر راه‌حل‌ها میان طرفین یعنی ایران و ۱+۵ نهایتاً ماراتن مذاکرات هسته‌ای در وین و در ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ (تیرماه ۱۳۹۴) به نتیجه رسید (افراسیابی و همکاران، ۱۳۹۵:۱۷).

با تغییر دولت آمریکا و بر اساس سیاست خارجی جدید این کشور، علی‌رغم گزارش‌های مکرر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر اجرای کامل تعهدات برجامی از سوی ایران، کارشکنی در این توافق با ایجاد مجموعه‌ای از نقض، بدعهدی، تأخیر، تعلل و تخطی از اجرای برجام^۱ بیش از پیش در دستور کار دولت آمریکا قرار گرفت، به نحوی که آمریکا از تأیید پایبندی جمهوری اسلامی ایران به مفاد برجام، خودداری و از آن جهت که ناتوانی این توافق در جلوگیری از دسترسی ایران به سلاح هسته‌ای خوانده شد در هجدهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۷ از این توافق خارج گردید. در شرایط جدید به وجود آمده اکثر تحلیل‌گران و صاحب‌نظران حوزه روابط بین‌الملل از جنبه‌های متفاوت به تحلیل روابط ایران و آمریکا پرداخته‌اند که در یک جمع‌بندی کلی آینده روشنی را برای این روابط متصور نیستند. در این شرایط تردیدی نیست که خروج آمریکا از برجام در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی و اقتصادی و ... قابل ارزیابی است لیکن شناسایی راهبردهای آمریکا علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در این تحقیق بررسی خواهد شد.

در باب اهمیت موضوع باید تأکید کرد که تبیین راهبردهای دولت آمریکا در خروج از برجام بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند ضمن شناساندن چالش‌ها و تهدیدات فرارو در محیط منطقه‌ای و جهانی، امکان نقش‌آفرینی مؤثر یا حتی برتری کشور را در گستره محیط امنیتی ایجاد نماید. ضمن اینکه این امکان را برای جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌سازد تا راهبردهای کنش متقابل علیه تهدیدات امنیت ملی را با بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌ها در موضوع برجام تبیین و تدوین نماید. در باب ضرورت موضوع نیز می‌توان گفت که با خروج آمریکا از برجام هندسه جدیدی در فضای بین‌المللی پیرامون موضوع برجام شکل گرفته است که به تعبیر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) از آن به «دشمنی مستمر، عمیق و براندازانه آمریکایی‌ها نه با اینجانب یا دیگر مسئولان کشور بلکه خصومت با مجموعه نظام اسلامی و ملتی که این نظام را انتخاب کرده و در راه آن حرکت می‌کند، تعبیر می‌شود» (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۷/۰۲/۱۹).

لذا عدم اهتمام به بررسی شرایط جدید برجام و شناسایی راهبردهای بازیگر می‌تواند موجب شود که به تدریج توان امنیتی جمهوری اسلامی ایران در این حوزه کاهش یابد. با توجه به توضیح ارائه شده، سؤال اصلی تحقیق آن است که راهبردهای آمریکا در خروج از برجام علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ با توجه به سؤال فوق سؤالات فرعی این‌گونه طرح می‌شود که اولاً اهداف آمریکا در خروج از برجام چیست، ثانیاً میزان توانمندی آمریکا در این راهبرد برای رسیدن به اهداف خود چگونه است، ثالثاً برآورد آمریکا از اهداف و توانمندی‌های ایران در این موضوع چیست، رابعاً نقاط ضعف و قوت آمریکا جهت نیل به اهداف در خروج از برجام چه خواهد بود.

هدف اصلی تحقیق «کمک به تصمیم‌گیران جهت ارتقای ضریب امنیت ملی کشور از طریق شناسایی راهبردهای آمریکا برای خروج از برجام» بوده و اهداف فرعی نیز شامل این موارد می‌گردد: «شناسایی اهداف آمریکا در خروج از برجام در فضای ایجاد شده علی‌رغم وجود مخالفت سایر کشورهای اروپایی عضو برنامه جامع اقدام مشترک؛ چگونگی بهره‌برداری دولت آمریکا از ظرفیت‌های خود برای رسیدن به اهداف مورد نظرش در خروج از برجام با وجود نقش فعال کشور جمهوری اسلامی ایران به عنوان بازیگری منحصربه‌فرد در سطح بین‌الملل؛ بررسی برآورد دولت آمریکا از توانمندی‌های جمهوری اسلامی ایران در این زمان و بررسی چگونگی دستیابی آمریکا به اهدافش در خروج از برجام با شناسایی نقاط ضعف و قوت این کشور».

مبانی نظری:

در ارتباط با موضوع برجام، با توجه به اهمیت کاربردی آن در جامعه علمی و عملی کشور، دیدگاه‌های مختلف و متعددی ارائه گردیده که در این خصوص شاهد انتشار حجم بالایی از مطالب هستیم. از منظر مقاله حاضر که ناظر بر راهبرد آمریکا است، می‌توان متون موجود را به سه گروه اصلی تقسیم‌بندی نمود:

الف) دستاوردها، پیامدها و اثرات برجام: در این دسته از منابع، محور اصلی، بررسی و تحلیل دستاوردها، پیامدها و تحلیل آثار ناشی از برجام برای کشور در حوزه‌های مختلف است. یکی از پژوهش‌هایی که توسط جمعی از اعضای هیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی و مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری در سال ۱۳۹۵ صورت گرفته است، کتاب «برجام، سیاست‌ها، دستاوردها و الزامات» می‌باشد که نویسندگان در این کتاب به شناخت دستاوردهای برجام با هدف بهره‌مندی بهینه از آن‌ها، پیامدهای هزینه‌زای برجام با هدف مدیریت و تحدید آن‌ها و همچنین شناخت الزامات اجرایی شدن برجام پرداخته‌اند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۵: ۸).

همین رویکرد عموماً در منابع دیگر نیز دنبال شده و نویسندگان با تمرکز بر حوزه و یا بازیگر خاصی به بیان آثار مختلف برجام در این محور پرداخته‌اند. برای مثال: پیامدهای منطقه‌ای برجام برای جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴)، پیامدهای راهبردی برجام (فرصت‌ها و تهدیدها) (۱۳۹۴)، پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی برجام، رویکردی استراتژیک (۱۳۹۵)، روابط میان ایران و اتحادیه اروپا در دوران پس‌ابرجام (۱۳۹۴)، اثرات برجام بر حوزه پولی و مالی کشور (۱۳۹۵)، اثرات برجام بر تجارت خارجی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵)، تأثیر برجام بر جایگاه و منزلت منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵).

ب) ابعاد حقوقی برجام: در این دسته از منابع، محور اصلی، بررسی و تحلیل آثار و ابعاد حقوقی ناشی از برجام می‌باشد. علی‌فلاحی زفرقندی (۱۳۹۴) در گزارشی پژوهشی تحت عنوان «بررسی ابعاد حقوقی برجام در نظام جمهوری اسلامی ایران» موضوع برجام را از منظر ابعاد حقوقی، حدود صلاحیت‌های نهادهای داخلی و نحوه التزام به تعهدات صورت گرفته بر اساس نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار داده است. نویسنده با طرح این سؤال که توافق صورت گرفته (برجام) میان ایران و کشورهای ۵+۱ از منظر حقوقی چه ماهیتی دارد، سعی کرده است به موضوع ماهیت حقوقی برجام و تعهدات مندرج در آن بپردازد. این رویکرد در برخی منابع دیگر نیز دنبال شده و نویسندگان با تمرکز بر این حوزه به بیان آثار و ابعاد حقوقی برجام در این محور

پرداخته‌اند. برای مثال: تحلیل گفتمان ضد حقوقی تحریم‌های آمریکا علیه ایران (۱۳۹۲)، دستاوردهای حقوقی برجام (۱۳۹۵).

ج) ابعاد امنیتی و نظامی برجام: در این دسته از منابع، محور اصلی بحث، بررسی آثار برجام در حوزه امنیتی و نظامی و در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشد. مهدی میرزاده کوهشاهی (۱۳۹۵) در مقاله «بحران‌های منطقه‌ای و فرصت‌های نظامی و امنیتی ناشی از برجام» با طرح این سؤال که حصول توافق هسته‌ای میان ایران و کشورهای ۵+۱ چه تأثیراتی بر کنش‌گری ایران در تحولات و بحران‌های منطقه داشته است به مرور تحولات و بحران‌های امنیتی منطقه و اثرات برجام بر این تحولات پرداخته است. رویکرد فوق در برخی منابع دیگر نیز با تمرکز بر این حوزه دنبال شده و نویسندگان به بیان آثار و ابعاد امنیتی و نظامی برجام در این محور پرداخته‌اند. برای مثال: برجام و امنیت نظامی ایران در محیط منطقه‌ای (۱۳۹۴)، برجام برای مهار کافی نبود؛ نگرانی از تسلط منطقه‌ای ایران است (۱۳۹۵)، منافع اجرای برجام برای ایران و جهان (۱۳۹۴)، پیامدهای نظامی، دفاعی و امنیتی برجام (۱۳۹۴).

ویژگی بیشتر پژوهش‌های انجام شده پیرامون موضوع برجام غالباً متأثر از ظرفیت‌های ایجاد شده ذیل این توافق بوده، به علاوه تحقیقات انجام شده بیشتر به شناخت آثار، پیامدها، دستاوردهای برجام و همچنین فرصت‌های فراروی جمهوری اسلامی ایران در ابعاد مختلف مناسبات جمهوری اسلامی ایران (حقوقی، سیاسی، نظامی و ...) در سطوح محیط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی ناشی از توافق برجام پرداخته و کمتر نگاهی به آثار و تبعات عدم پابندی کشورهای عضو به توافق علی‌الخصوص دولت آمریکا داشته و این دیدگاه به نوعی بدون در نظر گرفتن رویکردی آینده‌پژوهانه به موضوع، مغفول واقع شده است. از آنجا که هم‌اکنون فضای برجام در قالب جدیدی از رفتارها و کنش‌های بین‌المللی پدیدار شده است؛ لذا این تحقیق می‌کوشد راهبرد آمریکا را در نقض عملی تعهدات این کشور در موضوع برجام و خروج از آن در فضای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، شناسایی و معرفی نماید.

راهبرد: واژه «راهبرد» برگرفته از واژه یونانی "*Strategos*" که مرکب از دو واژه "*Stratus*" به معنای قشون و "*ego*" به معنای رهبر می‌باشد و این بدان معناست که فرماندهان و ژنرال‌های ارتش مؤظف بودند، بهترین راه ترکیب، چینش و حرکت نیروهای خود را اعم از انسانی و مادی به گونه‌ای مورد استفاده قرار دهند که منجر به پیروزی در جنگ‌ها شود. در زمان ناپلئون راهبرد،

۱۱۸ ♦ فصلنامه امنیت ملی، سال نهم، شماره سی و سوم، پاییز ۱۳۹۸ ————— ♦
علم حرکت‌ها و طراحی‌های نظامی تعریف می‌شد و کلاوزویتس، راهبرد را فن هدایت، تطبیق و هماهنگ ساختن نیروها برای نیل به هدف‌های جنگی و نظامی تعریف کرد. هنری میتزبرگ^۱ معتقد است واژه راهبرد به گونه‌های مختلف به کار می‌رود و تعاریف گوناگونی دارد. یکی از این تعاریف دلالت بر تداعی راهبرد در مفهوم برنامه دارد. در این حالت راهبرد به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که به شکل آگاهانه و به منظور رسیدن به هدفی خاص اتخاذ می‌گردد (حسن‌بیگی، ۱۳۹۵: ۴۲-۳۹) از آنجا که دولت آمریکا بر اساس روندی برنامه‌ریزی شده منطبق با سیاست‌های داخلی خود از برجام خارج گردیده است لذا در این تحقیق، این مفهوم از راهبرد به عنوان کنش‌های اصلی دولت آمریکا در خروج از برجام مدنظر قرار دارد.

امنیت: پیشینه مطالعات امنیتی به صورت گسترده به پس از جنگ جهانی دوم مربوط می‌شود. در این برهه زمانی گفتمان امنیتی دچار تحول عمده شده است. گفتمان «امنیت منفی»، نخستین گفتمان شکل گرفته در مباحث امنیتی بود که از بُعد سلبی به مسئله امنیت می‌پرداخت. در گفتمان سلبی، امنیت با نبود تهدید تعریف می‌گردد (افتخاری، ۱۳۸۰: ۱۴). گفتمان «امنیت ایجابی»، دومین گفتمان مطالعات امنیت بود که از رهگذر نقد گفتمان سلبی شکل گرفت. در این گفتمان، افزون بر نبود تهدید، وجود شرایط مطلوب برای تحقق اهداف و خواسته‌های ملی نیز مدنظر است. طرفداران این دیدگاه برای امنیت، ماهیتی تأسیسی قائل‌اند و بر این باورند که امنیت تنها در وضعیتی وجود دارد که آن جامعه به سطح قابل قبولی از اطمینان برای تحصیل و پاسداری از منافع ملی دست یافته باشد. بر این اساس جامعه‌ای که در عین نبود تهدید داخلی یا خارجی، توان لازم را برای دستیابی به منافع ملی خود نداشته باشد، در وضعیت امنیت نیست و ناامن ارزیابی می‌شود (همان، ۲۵). به جهت تبیین بهتر موضوع تحقیق، گفتمان ایجابی امنیت به عنوان عنصر متقابل راهبرد بازیگر ذیل اهداف تحقیق مدنظر قرار دارد.

امنیت ملی: واژه امنیت ملی مفهومی است که بعد از جنگ جهانی دوم جعل و درباره آن نظریه‌پردازی شده است تا راه‌ها و شیوه‌های تحصیل امنیت در چارچوب دولت-ملت برای انسان‌ها به ارمغان آورده شود. با اندکی تسامح، امنیت ملی را می‌توان توانایی یک نظام سیاسی در حفظ و تقویت ارزش‌های اساسی و حیاتی آن کشور دانست. لذا می‌توان دو بُعد اساسی برای امنیت ملی هر کشوری قائل شد: یکی، بُعد سلبی که دلالت بر رفع و تقلیل تهدیدهای موجود دارد و دیگری، بُعد

ایجابی که حکایت از ارتقاء و بهینه‌سازی وضعیت زیست‌بوم جوامع در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و ... دارد (کریمی‌مله، ۱۳۸۳: ۷۰۱).

دیدگاه‌های تحلیلی؛ با رجوع به دیدگاه‌های ارائه شده از سوی دولت‌های آمریکا و ایران مشخص می‌شود که هر یک از این دو بازیگر رویکرد تحلیلی متفاوتی را نسبت به برجام در دستور کار قرار داده‌اند که توجه به آن می‌تواند در فهم بهتر از اقدامات ایشان برای خروج و یا بقاء در برجام مؤثر باشد، لذا در ادامه این رویکردها تبیین می‌شوند.

رویکرد دولت آمریکا به برجام: دولت آمریکا در اکتبر ۲۰۱۷ در گزارشی متن استراتژی جدید و جامع خود را علیه ایران ذیل محورهای مختلف اعلام کرد که یکی از محورهای اصلی آن موضوع برجام بود. در این گزارش دولت آمریکا با عدم تأیید پایبندی ایران به توافق هسته‌ای، تصریح می‌کند در صورتیکه در مورد برجام با متحدان و کنگره به توافق نرسیم، این توافقنامه لغو خواهد شد. رئیس‌جمهور آمریکا در نشست با خبرنگاران پس از اعلام این استراتژی در پاسخ به سؤالی درباره اینکه چرا حالا از برجام خارج نمی‌شود، می‌گوید: «من روند دو مرحله‌ای را دوست دارم. هر وقت بخواهم می‌توانم برجام را از بین ببرم. در مدت کوتاه خواهیم دید که آیا کنگره به این موضوع عمل می‌کند یا نه. اگر نکند برجام را به هم می‌زنم». (ترامپ، ۲۰۱۷/۱۰/۱۳) آنچه در این استراتژی و در بخش مربوط به برجام توسط دولت آمریکا اعلام گردیده است، عبارتند از: (تابناک، ۱۳۹۶/۰۷/۲۱)

اول، فعالیت‌های دولت ایران، همه تأثیرات مثبتی را که قرار بود برنامه جامع اقدام مشترک از حیث امنیت و صلح بین‌المللی به بار بیاورند، از بین برده است.

دوم، حتی درباره خود برجام، دولت ایران الگوی رفتاری آشفته‌ای نشان داده و به دنبال سوءاستفاده از مفرهای این توافق و محک زدن عزم جامعه بین‌المللی بوده است.

سوم، سران نظامی ایران علناً اعلام کرده‌اند که اجازه بازرسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از سایت‌های نظامی این کشور را نخواهند داد. این اظهارات، در تقابل آشکار با تعهدات ایران ذیل برجام و پروتکل الحاقی قرار دارند. همین سازمان‌ها در گذشته‌ای نه‌چندان دور تأسیسات هسته‌ای را در سایت‌های نظامی پنهان کردند.

چهارم، این رفتار را نمی‌توان تحمل کرد؛ توافق هسته‌ای باید به دقت اجرا شود و آژانس باید از اختیاراتش برای بازرسی استفاده کند.

این راهبرد با توجه به روندهای موجود و ظرفیت‌های نهفته برای آمریکا و نیز همراهی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نشان می‌دهد که ماهیت آن چیزی سواى از رویکرد کلی آمریکایی‌ها نسبت به ایران که در زمان دولت قبلی نیز به جد پیگیری می‌شد، نبوده است (تابناک، ۱۳۹۶/۰۷/۲۱). بر این اساس با توجه به برداشت دولت آمریکا از افزایش عوامل قدرت‌ساز جمهوری اسلامی ایران در منطقه در فضای پسابرجام در رویکرد خاورمیانه‌ای خود، رئیس‌جمهور آمریکا با خواندن این توافق به عنوان بدترین توافق تاریخ آمریکا، با اعلام اینکه می‌خواهد دنیا را از اقداماتی برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای مطلع نماید، از توافق برجام خارج می‌شود (ترامپ، ۲۰۱۸/۰۵/۰۸).

رویکرد جمهوری اسلامی ایران به برجام: در فضای پس از توافق برجام، به دلیل تغییر رویکرد غرب نسبت به ایران، فضا برای تحركات منطقه‌ای ایران بیشتر شده و از حساسیت غرب نسبت به کنش‌های امنیتی ایران تا حد زیادی کاسته شد. در این فضا، ایران توانست با مدیریت و مبارزه با ناامنی‌ها و بحران‌های موجود در منطقه، ضمن رفع تهدیداتی که امنیت ملی کشور را به مخاطره می‌انداخت، نقش مؤثری را در ایجاد ثبات در منطقه ایفاء کند. به بیانی دیگر بستر لازم برای کنش‌های عقلایی و هوشمندانه با هدف تأمین منافع و امنیت ملی کشور در دوره پسابرجام بیشتر فراهم گردید (میرزاده کوهشاهی، ۱۳۹۵: ۴۳۲).

برجام با خارج کردن پرونده ایران از شورای امنیت و رفع تحریم‌های سازمان ملل و تحریم‌های اروپایی؛ گام بزرگی برای رشد و شکوفایی مجدد ایران برداشت؛ اما نزدیک به سه سال هرگونه تلاش‌های دیپلماتیک ایران و علاقه‌مندان بین‌المللی آن نتوانست آمریکا و خصوصاً دولت جدید این کشور را به متنی که نوشته و امضاء کرده‌اند، نزدیک نماید. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) پس از خروج آمریکا از برجام در دیدار هزاران نفر از دانشجویان و معلمان فرمودند: «به مسئولین گفتیم قبل از هر قرار داد از طرف مقابل تضمین‌های واقعی بگیری و به حرف آن‌ها اعتماد نکنید. یکی از این شروط، تضمین کتبی و امضای رئیس‌جمهور وقت آمریکا مبنی بر برداشته شدن تحریم‌ها بود، البته مسئولان محترم تلاش کردند اما نتوانستند و نتیجه‌اش این شد که بعد از دو سال و نیم عمل کردن ایران به همه تعهدات، رئیس‌جمهور آمریکا ضمن خروج از برجام، ملت ایران را تهدید هم می‌کند!» و در فرازی دیگر می‌فرمایند: «مسئولان در معرض آزمون بزرگ قرار دارند که آیا عزت و اقتدار این ملت را حفظ خواهند کرد یا نه. باید عزت و منافع ملت به معنی واقعی کلمه تأمین شود» (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۷/۰۲/۱۹).

روش تحقیق:

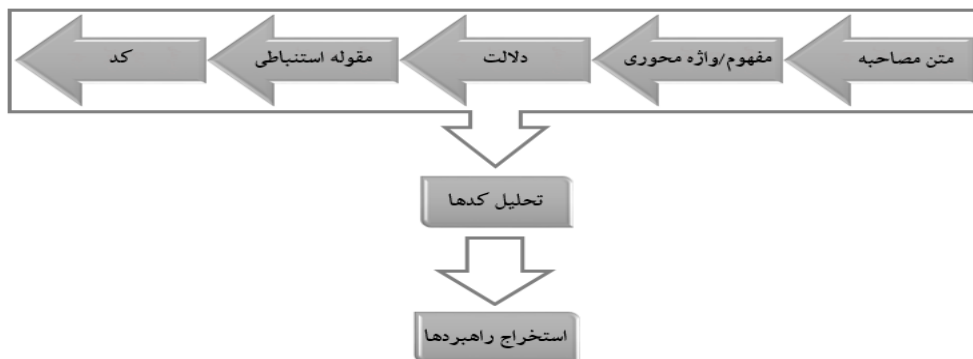
با توجه به اهداف پژوهش تحقیق حاضر از نوع توسعه‌ای - کاربردی می‌باشد و تلاش دارد تا از طریق تعمیق دانش در موضوع به تقویت تحلیل‌ها کمک نماید. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش ترکیبی است. بدین منظور، سعی می‌شود در بخش تبیین اهداف، شرایط و بیان رویکردها از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شود. در مرحله بعدی و در بیان راهبردها از طریق ایجاد کارگروه نخبگانی و تکنیک مصاحبه عمیق استفاده می‌گردد. جامعه آماری این تحقیق را به تناسب موضوع، محققانی تشکیل می‌دهند که دارای متن تحلیلی منتشر شده در موضوع تحقیق در قالب یکی از اشکال متون علمی منتشر شده و همچنین دارای مدرک دکتری در یکی از رشته‌های علوم سیاسی و یا روابط بین‌الملل باشند. بر این اساس جامعه آماری بالغ بر ۲۵ نفر شناسایی شده‌اند که نسبت به مصاحبه با ایشان اقدام شده است. با توجه به رسیدن به حد اشباع نظری و تکرار دیدگاه‌ها، مصاحبه‌ها در نفر پنجم به پایان رسیده است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: در این تحقیق از تکنیک مصاحبه عمیق استفاده شده است. بدین طریق که ناظر بر شناسایی راهبردها ابتدا سؤالات در پنج بخش کلی (شکل شماره ۱) برای مصاحبه تنظیم و پس از مشخص شدن جامعه خبرگی، از طریق مصاحبه نیمه‌باز پاسخ‌ها دریافت شده است. نتایج مصاحبه‌ها مطابق جدول شماره (۱) پیاده‌سازی شده و طی فرآیندی مطابق شکل شماره (۲) تحلیل گردیده‌اند. با توجه به حجم بالای جداول تحلیل، در ادامه مطابق جدول نمونه، صرفاً نتایج تحلیل‌ها ارائه شده‌اند.

شکل شماره (۱): عوامل مؤثر در شناسایی راهبردهای خروج آمریکا از برجام



شکل شماره (۲): فرآیند کدگذاری و تحلیل نتایج



جدول شماره (۱): نمونه جداول فرآیند کدگذاری و تحلیل نتایج

سوال ۱: به نظر شما اهداف اصلی آمریکا در خروج از برجام کدامند؟				
کد	مقوله استنباطی	دلالت	مفهوم/ واژه محوری	متن
A-۱-۱	کنترل ایران از طریق اعمال تحریم	آمریکا برای این که بتواند از سیاست‌های تحریمی برای کنترل ایران استفاده نماید از برجام خارج شده است.	تحریم اقتصادی و محدودسازی	کنترل ایران از طریق سازوکارهایی همانند تحریم و محدودسازی
B-۱-۲	تغییر سیاست ایران	آمریکا برای این که بتواند بر ایران فشار وارد نماید تا سیاست منطقه‌ای اش را تغییر دهد نسبت به خروج از برجام اقدام کرده است.	فشار اقتصادی	تغییر سیاست و رفتار ایران در منطقه و گرفتن امتیازات بیشتر در راستای اهداف و منافع خود با افزایش فشار اقتصادی
B-۱-۳	امتیازگیری از ایران	آمریکا به دنبال معامله با ایران است و برجام مانع از این اقدام می‌شود. لذا از برجام خارج شده تا ایران را به پرداخت هزینه بیشتر جهت توافق با غرب وادار سازد.		
C-۱-۴	مهار ایران	آمریکا برای این که بتواند نسبت به مهار ایران اقدام نماید از برجام خارج شده است.	مهار ایران	مهار ایران از طریق تحریم اقتصادی
D-۱-۵	تحقق	آمریکا برای این که بتواند سیاست‌های	فشار اقتصادی	فشار اقتصادی بر

	سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا	منطقه‌ای‌اش را به نتیجه برساند نسبت به خروج از برجام اقدام نموده تا دستش در اعمال فشار باز گردد.		ایران در راستای سیاست‌های منطقه‌ای
E-۱-۴	مهار منطقه‌ای ایران	با توجه به توفیق ایران در منطقه، آمریکا برای مهار نمودن ایران نسبت به خروج از برجام اقدام نموده تا بتواند فشار بر ایران وارد نماید	مهار ایران در منطقه	مهار ایران در منطقه با انجام تحریم‌های شدید

تحلیل: مصاحبه‌شوندگان به ترتیب مهار منطقه‌ای ایران، کنترل ایران از طریق تحریم، تغییر سیاست ایران، امتیازگیری از ایران و تحقق سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا را به عنوان اهداف اصلی آمریکا در خروج از برجام بیان نموده‌اند. با توجه به اهداف برشمرده شده می‌توان گفت آمریکا اعتقاد دارد که کنترل ایران در منطقه از طریق سازوکارهایی همانند فشار و تحریم‌های شدید اقتصادی حاصل می‌شود، لذا آمریکا در راستای تحقق سیاست‌های منطقه‌ای خود و به منظور ایجاد آسیب‌پذیری و کاهش اقتدار داخلی و خارجی ایران با هدف مهار ایران در منطقه از برجام خارج گردید.

در ادامه با توجه به فرآیند اشاره شده در بالا و بر اساس سؤالات استخراج شده ذیل عوامل مؤثر در شناسایی راهبردهای آمریکا در خروج از برجام نسبت به تحلیل نتایج حاصل از مصاحبه‌ها اقدام شده است.

سؤالات ناظر بر اهداف آمریکا در خروج از برجام:

سؤال ۱: به نظر شما اهداف اصلی آمریکا در خروج از برجام کدامند؟

تحلیل: آمریکا به منظور تغییر در سیاست‌های منطقه‌ای، امتیازگیری، ایجاد آسیب‌پذیری و کاهش اقتدار داخلی و خارجی نظام با هدف مهار و کنترل ایران در منطقه از طریق سازوکار فشار و تحریم‌های شدید اقتصادی از برجام خارج گردیده است.

سؤال ۲: مزایا و منافع دولت آمریکا در خروج از برجام چیست؟

تحلیل: آمریکا معتقد است خروج از برجام امکان فشار حداکثری بر ایران مبنی بر تغییر رفتار را فراهم نموده و آن را دستاورد بزرگی برای خود می‌داند. لذا تلاش می‌کند با ایران‌هراسی، ضمن قرار دادن ایران در موضع چانه‌زنی در شرایط ضعف و ایجاد زمینه لازم برای کاهش نقش ایران در

محیط منطقه‌ای، در راستای سیاست خود مبتنی بر تغییر و فروپاشی نظام جمهوری اسلامی ایران به نوعی مسئله جمهوری اسلامی ایران را حل نماید.

سؤال ۳: آیا آمریکا با خروج از برجام می‌تواند جامعه جهانی را با سیاست‌های خود در قبال ایران همراه سازد؟

تحلیل: دولت آمریکا در توجیه رفتار خود در خروج از برجام و جلوگیری از دستیابی ایران به اهداف توافق به نوعی عمل می‌نماید تا بتواند ایران را به شرایط قبل از توافق برگرداند، در این راستا با توجه به برخورداری این کشور از قدرت الزام‌ساز در سطح بین‌الملل برای سایر کشورها تلاش می‌کند سایر کشورهای عضو برجام را به نوعی در وضعیت اجبار برای عدم همکاری با ایران قرار دهد تا آن‌ها نیز از برجام خارج شوند، لیکن تاکنون در این زمینه موفق نگردیده اما از تمامی ظرفیت‌های خود برای دستیابی به این هدف استفاده می‌نماید.

سؤال ۴: خروج آمریکا از برجام چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؟

تحلیل: آمریکا با خروج از برجام تلاش می‌نماید تا با فلج‌سازی اقتصاد ایران از طریق وضع تحریم‌های شدید و ایجاد فشار راهبردی بر میزان درآمد جامعه و سرمایه اجتماعی حکومت، ضمن تضعیف و براندازی نظام از طریق ایجاد آسیب‌پذیری و ناامنی داخلی، سیاست خارجی ایران را نیز به چالش کشیده و با ناکافی جلوه دادن مفاد توافق در محدودسازی برنامه هسته‌ای، ایران را مجدداً به عنوان تهدید علیه صلح و امنیت منطقه و نظام بین‌الملل معرفی نماید.

سؤال ۵: خروج آمریکا از برجام چه ارتباطی با توان نظامی ایران علی‌الخصوص برنامه موشکی دارد؟

تحلیل: دولت آمریکا معتقد است برجام نه تنها نتوانسته است توانمندی‌های موشکی ایران را محدود نماید، بلکه در دوران پس از برجام توان موشکی ایران افزایش نیز یافته است. آن‌ها انتظار داشتند پس از برجام به‌طور کلی ایران در منطقه محدود و مهار شود لذا به‌منظور کاهش اقتدار منطقه‌ای نظامی و موشکی بازدارنده ایران، بارها تلاش نمودند ذیل مفاد قطعنامه ۲۲۳۱، برنامه موشکی ایران را همسو با توسعه قابلیت‌های حمل کلاهک هسته‌ای جلوه داده و مرتبط نمایند.

سؤالات ناظر بر توانمندی‌ها و منابع آمریکا در خروج از برجام

سؤال ۶: آمریکا در رسیدن به اهداف خود در خروج از برجام از چه منابع و توانمندی‌های سخت‌افزارانه‌ای برخوردار است؟

تحلیل: از آنجا که دولت آمریکا از لحاظ نظری، هنوز قدرت برتر نظامی جهان است لذا این ظرفیت را دارد که متناسب با توانایی سخت‌افزاری قابل توجه خود در حوزه نظامی اقدام نماید. البته عدم توفیق در اقدامات نظامی اخیر خود در عراق و افغانستان و همچنین به لحاظ حفظ وجهه بین‌المللی و از همه مهم‌تر مباحث اقتصادی مرتبط با جنگ باعث شده است تا آمریکا به جای استفاده از حمله نظامی مستقیم به جنگ‌های نیابتی روی آورد.

سؤال ۷: آمریکا در رسیدن به اهداف خود در خروج از برجام از چه منابع و توانمندی‌های نرم‌افزارانه‌ای برخوردار است؟

تحلیل: دولت آمریکا با استفاده از نفوذ گسترده و تمام ظرفیت‌های دیپلماتیک خود تلاش می‌نماید تا سایر کشورها را برای همراهی جهت فشار بین‌المللی بر جمهوری اسلامی ایران متقاعد یا مجبور نماید. در این راستا از طریق جنگ روانی و هجمه رسانه‌ای وسیع با القای ایراد بر مفاد قطعنامه ۲۲۳۱ از منظر درون متنی متناسب با بندهای غروب برجام با ادعای تهدید بودن ایران برای امنیت منطقه، جوسازی بین‌المللی گسترده‌ای را علیه جمهوری اسلامی ایران ایجاد نموده است. با این حال، به نظر می‌رسد سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه دولت جدید آمریکا در تعاملات سیاسی با سایر کشورها علی‌الخصوص سایر اعضای توافق باعث کاهش قدرت نرم‌افزاری آمریکا در برخورد با جمهوری اسلامی ایران می‌شود.

سؤال ۸: آیا آمریکا توانایی بازگرداندن ایران به شرایط قبل از توافق را دارد؟

تحلیل: اگر دولت آمریکا بتواند از طریق فشار و اجماع بین‌المللی چنان عمل نماید که جمهوری اسلامی ایران از برجام خارج شود یا رفتار خاصی انجام دهد، ممکن است بتواند ایران را در وضعیت دشواری نسبت به قبل از توافق قرار دهد. لذا در این شرایط نوع رفتار و دیپلماسی ایران برای مقابله با این سیاست آمریکا بسیار مهم و تأثیرگذار خواهد بود.

سؤال ۹: آیا آمریکا توانمندی لازم برای جلوگیری از دستیابی ایران به مزایای برجام را دارد؟

تحلیل: دولت آمریکا پس از خروج از برجام از طریق فشار بین‌المللی و اعمال تحریم‌های شدید به نوعی توانسته است ایران را از دستیابی به بخش قابل توجهی از مزایای برجام باز دارد. در این راستا می‌توان به استتکاف شرکت‌های بین‌المللی از سرمایه‌گذاری در ایران و عدم پایبندی به توافقات خود به جهت قرار نگرفتن در لیست تحریم‌های دولت آمریکا عنوان نمود.

سؤالات ناظر بر برآورد آمریکا از جمهوری اسلامی ایران در خروج از برجام

سؤال ۱۰: از نظر آمریکا مهم‌ترین اهداف ایران برای بقاء در برجام چیست؟

تحلیل: در تبیین اهداف ایران در بقاء در برجام یکی از موضوعات اساسی رشد و ارتقای ظرفیت اقتصادی ایران پس از توافق برجام است. در این راستا می‌توان به حضور گسترده شرکت‌های بین‌المللی در ایران و همچنین انعقاد قرار دادهای مختلف در حوزه‌های گوناگون، افزایش صادرات نفتی و غیرنفتی و همچنین حضور شرکت‌های ایرانی در بازار کشورهای مختلف اشاره نمود. علاوه بر آن می‌توان به توسعه توانمندی‌ها و ارتقاء جایگاه منطقه‌ای ایران و همچنین تقویت قدرت دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در حوزه سیاست خارجی از طریق گسترش نفوذ منطقه‌ای اشاره نمود.

سؤال ۱۱: از نظر آمریکا توانمندی و منابع ایران برای رسیدن به اهدافش از منظر سیاسی در

بقاء در برجام چیست؟

تحلیل: توافق برجام و همکاری نزدیک ایران با سایر اعضای توافق علی‌الخصوص اتحادیه اروپا، چین و روسیه توانسته است ظرفیت همکاری ایران با این کشورها را بهبود بخشیده و منجر به ارتقاء جایگاه جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی گردد. در این راستا می‌توان به حضور مؤثر ایران در سازمان اوپک و ایجاد شرایط مناسب برای افزایش صادرات نفت اشاره نمود. ایجاد این ظرفیت و پذیرش ایران هسته‌ای در عرصه بین‌الملل منجر به تغییر افکار عمومی بین‌المللی نسبت به ایران شده است به نحوی که هم اکنون شاهد عدم همراهی سایر اعضای ۵+۱ با آمریکا در به نتیجه رسیدن اهداف این دولت و منزوی بودن آمریکا پس از خروج از برجام و همچنین خروج شش کشور عمده خریدار نفت ایران از لیست تحریم‌های آمریکا در صادرات نفت ایران به آن‌ها می‌باشیم.

سؤال ۱۲: از نظر آمریکا توانمندی و منابع ایران برای رسیدن به اهدافش از منظر امنیتی در بقاء

در برجام چیست؟

تحلیل: پذیرش ایران هسته‌ای و همچنین رفع تحریم‌های ایران توسط قطعنامه ۲۲۳۱ پس از توافق برجام علاوه بر افزایش قدرت، بهبود جایگاه و تأثیرگذاری منطقه‌ای ایران باعث انزوای آمریکا در عرصه بین‌الملل و صحنه شورای امنیت سازمان ملل پس از خروج از برجام و بهره‌مندی از ظرفیت همکاری و حمایت سایر اعضای توافق گردیده است به نحوی که ارتقای توان اطلاعاتی و امنیتی ایران در عرصه داخلی و تأثیرگذاری آن بر امنیت منطقه‌ای را در پی داشته است. همچنین

ایران توانسته است در بهره‌مندی از این ظرفیت ایجاد شده با توسل به دیپلماسی و دادخواهی‌های حقوقی از ایجاد امنیتی‌سازی گسترده از سوی آمریکا جلوگیری نموده و انزوای بیش از پیش آمریکا را ایجاد نماید.

سؤال ۱۳: از نظر آمریکا توانمندی و منابع ایران برای رسیدن به اهدافش از منظر ظرفیت داخلی در بقاء در برجام چیست؟

تحلیل: رهبری آگاهانه مقام معظم رهبری، حضور مؤثر مردم در عرصه‌های ملی در حمایت گسترده از نظام و همچنین شناخت آگاهانه مردم از سیاست‌های آمریکا در قبال ایران و زیستن در شرایط تحریم از ابتدای انقلاب تاکنون، این ظرفیت داخلی را ایجاد نموده است که بتواند دولت آمریکا را در رسیدن به اهدافش علی‌الخصوص خروج از برجام ناکام بگذارد.

سؤال ۱۴: از نظر آمریکا توانمندی و منابع ایران برای رسیدن به اهدافش از منظر منطقه‌ای در بقاء در برجام چیست؟

تحلیل: از منظر آمریکا توافق برجام و پذیرش ایران هسته‌ای منجر به حضور و اقتدار منطقه‌ای و هدایت مؤثر محور مقاومت در منطقه غرب آسیا در برابر سیاست‌های آمریکا و هم‌پیمانانش علی‌الخصوص رژیم صهیونیستی شده است، ضمن اینکه حضور مؤثر ایران در جبهه مبارزه با تروریسم تکفیری و ارتقای توانمندی‌های بازدارنده موشکی پس از برجام توانسته است جمهوری اسلامی ایران را در کنار هم‌پیمانان منطقه‌ای خود به عنوان یک قدرت فرامنطقه‌ای مطرح نماید.

سؤالات ناظر بر عوامل مؤثر بر اقدام آمریکا در خروج از برجام:

سؤالات ۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۱۸: همکاری و روابط ایران با کشورهای روسیه، چین، ترکیه و اتحادیه اروپا پس از توافق، چه تأثیری بر خروج آمریکا از برجام داشته است؟

سؤال ۱۹: حضور تأثیرگذار ایران در صحنه سازمان ملل پس از توافق، چه تأثیری بر خروج آمریکا از برجام داشته است؟

بر اساس دسته‌بندی پاسخ سؤال‌های بالا مشخص گردید همکاری و روابط ایران با کشورهای روسیه، چین، ترکیه و اتحادیه اروپا و همچنین حضور مؤثر ایران در صحنه سازمان ملل، تأثیری بر خروج آمریکا از برجام نداشته‌اند.

سؤال ۲۰: رژیم صهیونیستی چه میزان در خروج آمریکا از برجام نقش داشته و مؤثر بوده است؟

سؤال ۲۱: دولت عربستان و برخی از کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس (امارات، بحرین و ...) چه نقش و تأثیری در خروج آمریکا از برجام آمریکا داشته‌اند؟

با توجه افزایش قدرت منطقه‌ای ایران، حمایت مستقیم از مردم مظلوم فلسطین و رودرویی جمهوری اسلامی ایران با رژیم صهیونیستی از طریق تقویت و هدایت مؤثر گروه‌های محور مقاومت در منطقه، این رژیم به یکی از مشوقان اصلی و دولت عربستان سعودی و برخی از کشورهای عربی منطقه نیز در مقام عدم پذیرش ایران قدرتمند به عنوان رهبر جهان اسلام در خروج آمریکا از برجام بسیار تأثیرگذار بوده‌اند. لازم به توضیح است همسو با بازیگران خارجی، نهادها و گروه‌های مخالف داخلی ایران، ناسیونالیسم‌های رادیکال و لابی‌های ضد ایرانی و همچنین گروه‌های نومحافظه‌کار طرفدار وی و نوریگانی‌ها نیز به عنوان بازیگران داخلی در خروج آمریکا از برجام مؤثر بوده‌اند.

سؤالات ناظر بر شرایط محیطی اقدام آمریکا در خروج از برجام

سؤال ۲۳: با توجه به شکست هژمون آمریکا در منطقه (سوریه) از طریق اقدامات مؤثر ایران در مقابله با داعش، آیا این موضوع ارتباط مؤثری با خروج آمریکا از برجام دارد؟

سؤال ۲۴: چه ارتباطی بین اقتصاد داخلی آمریکا و خروج از برجام وجود دارد؟

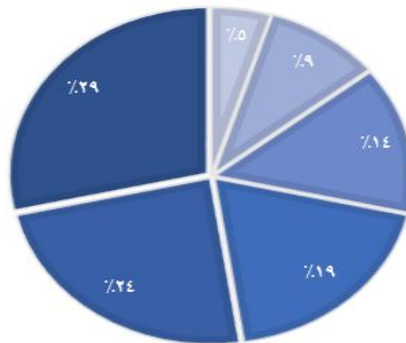
سؤال ۲۵: آیا تحولات درونی کشور آمریکا پس از روی کار آمدن دولت جدید ارتباطی با خروج از برجام دارد؟

سؤال ۲۶: آیا ارتباطی بین قدرت عظیم فرهنگی ایران که منجر به نفوذ مؤثر در منطقه غرب آسیا شده است با خروج آمریکا از برجام وجود دارد؟

بر اساس دسته‌بندی پاسخ‌ها مشخص گردید، شکست هژمون آمریکا در منطقه (سوریه) از طریق اقدامات مؤثر ایران در مقابله با داعش، اقتصاد داخلی آمریکا و قدرت عظیم فرهنگی ایران در منطقه غرب آسیا، به‌طور مستقیم تأثیری بر خروج آمریکا از برجام نداشته است. همچنین به دلیل عدم تغییر سیاست دولت‌های آمریکا در ادوار مختلف نسبت به جمهوری اسلامی ایران، تحولات درونی کشور آمریکا در دولت جدید و خروج از برجام نیز در راستای همان سیاست‌ها تعریف می‌گردد و چنانچه دولتی از دموکرات‌ها نیز روی کار می‌آمد، قطعاً شکل دیگری از تحریم‌های اقتصادی مرتبط با موضوعات مختلف در راستای سیاست‌های اصلی کشور آمریکا اتفاق می‌افتاد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها:

با توجه به نتایج به دست آمده از تحلیل‌ها و همچنین میزان فراوانی هر کدام از کدهای استخراجی در مصاحبه‌ها در پنج موضوع الف (اهداف)، ب (توانمندی‌ها و منابع)، پ (برآورد از ایران)، ت (عوامل مؤثر بر اقدام) و ث (شرایط محیطی اقدام)، بر اساس نمودار فراوانی زیر مشخص گردید که در مفاهیم مرتبط با موضوع تحقیق و منطبق با فراوانی مربوط به هر کدام، به ترتیب ۶ عامل شامل: فشار و تحریم اقتصادی با ۲۹ درصد، تغییر رفتار ایران با ۲۴ درصد، محدودسازی برنامه نظامی و موشکی با ۱۹ درصد، کاهش نفوذ و مهار ایران در منطقه با ۱۴ درصد، نقض برجام توسط ایران با ۹ درصد و جلوگیری از دستیابی ایران به مزایای برجام با ۵ درصد جزء مؤثرترین عوامل در تبیین راهبردهای دولت آمریکا علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در خروج از برجام می‌باشند.



شکل شماره (۳): نمودار فراوانی عوامل مؤثر بر راهبردهای خروج آمریکا از برجام

رویکرد دولت جدید آمریکا با خروج از برجام نشان داد اگرچه میان دولت‌های مختلف ایالات متحده در اتخاذ روش مقابله با جمهوری اسلامی ایران تفاوت تاکتیکی مشاهده می‌شود لیکن این استراتژی از ابتدای انقلاب تاکنون تغییری ننموده است. در این راستا دولت ترامپ تلاش می‌نماید تا برای تغییر نظام مدیریت جهان و تبدیل آن به نظام تک‌قطبی، الگوی آمریکایی هژمونی غرب را مجدداً احیا و پیاده‌سازی نماید. متناسب با این کنش و رفتار یکجانبه دولت آمریکا با موضوع برجام و در تبیین اهداف، درک و ارزیابی راهبردهای خروج آمریکا از برجام بر اساس دسته‌بندی تحلیل‌های انجام شده و به ترتیب اولویت، می‌توان راهبردهای این کشور را علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به صورت زیر دسته‌بندی نمود.

راهبرد (۱). وادار به تسلیم نمودن جمهوری اسلامی ایران از طریق اعمال تحریم‌های شدید

اقتصادی

در عرصه روابط بین‌الملل، هنگامی که میان قدرت‌های کوچک و بزرگ در اثر تضاد و اختلاف منافع تقابل شکل می‌گیرد، یکی از استراتژی‌های اساسی قدرت بزرگ در ارتباط با قدرت کوچکتر، سیاست تحریم و اعمال فشار اقتصادی است. قدرت بزرگ با تحریم و اعمال فشار اقتصادی که یک فرایند تدریجی است، به دنبال فرسایش تدریجی قدرت و قابلیت‌های کشور هدف است. دولت آمریکا در مقام یک قدرت جهانی و جمهوری اسلامی ایران در مقام یک قدرت منطقه‌ای و ایدئولوژیک پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دلایل مختلفی در مقابل هم قرار دارند. در اثر این تقابل است که آمریکا سیاست اعمال فشار و تحریم اقتصادی را علیه ایران در نظر گرفته است. دولت آمریکا اعتقاد دارد که تسلیم جمهوری اسلامی ایران در منطقه از طریق سازوکارهایی همانند فشار و تحریم‌های شدید اقتصادی حاصل می‌شود، بنابراین به منظور تغییر در سیاست‌های منطقه‌ای، امتیازگیری، ایجاد آسیب‌پذیری و کاهش اقتدار داخلی و خارجی نظام با هدف مهار، کنترل و تسلیم نمودن جمهوری اسلامی ایران از برجام خارج گردیده است.

مقام معظم رهبری در خصوص جنگ اقتصادی آمریکا با ایران در دیدار خود با کارگران می‌فرماید: «ببینید عزیزان من! دشمنان ما فهمیده‌اند و دانسته‌اند که در جنگ سخت نظامی طرفی نخواهند بست. راهی که پیدا کردند، جنگ اقتصادی و جنگ فرهنگی و مانند این‌ها است. حالا بحث فرهنگی به کنار، [اما] امروز آنچه مطرح است برای دشمنان ما، جنگ اقتصادی است. اتاق جنگ آمریکا علیه ما عبارت است از وزارت خزانه‌داری آمریکا که همان وزارت اقتصاد و دارایی‌شان است؛ آنجا اتاق جنگ با ما است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۰۲/۱۰)

بر این مبنا، مشاهده می‌شود که تحریم‌های موجود علیه جمهوری اسلامی نیز به‌طور مداوم در حال افزایش بوده است به گونه‌ای که نمی‌توان حد خاصی را برای آن تعریف کرد. در سال ۲۰۱۷ دولت آمریکا در راهبرد جدید خود علیه ایران اعلام می‌کند ما برای قطع منابع مالی حکومت ایران و همچنین قطع تمامی مسیرهای ایران به سلاح‌های هسته‌ای اقدام خواهیم کرد (تابناک، ۱۳۹۶/۰۷/۲۱). آشکار است که در این مسیر اولین و مهم‌ترین ابزار آمریکا برای رسیدن به این اهداف، تحریم‌های اقتصادی شدید است (میراحمدی، ۱۳۹۷: ۸۳). تا با امنیتی‌سازی ایران در منطقه و جهان و احیای فشارهای تحریمی ثانویه و فراگیر علیه جمهوری اسلامی ایران، از این طریق تنگناهای اقتصادی بر مردم ایران را افزایش دهند (یزدان فام، ۱۳۹۷: ۴۲).

این رفتار به واسطه انتظاری است که آمریکا از تحریم‌ها دارد، یعنی، تحریم‌های اقتصادی می‌تواند مانع هسته‌ای شدن جمهوری اسلامی ایران شود که این خود بدین معنی است که دولت مردان کاخ سفید تصور می‌کنند در صورت شکست تحریم‌های اقتصادی، جمهوری اسلامی ایران اتمی خواهد شد. از آنجایی که آمریکا تحریم‌های اقتصادی را راهی کم‌هزینه برای مواجهه با ایران می‌داند، طبیعی است به منظور شکست نخوردن تحریم‌ها تلاش کند که دامنه کمی و کیفی تحریم‌های ایران بیشتر شود؛ زیرا به‌زعم آن‌ها، هر اندازه تحریم‌های اعمالی شدید و سخت باشد، به همان اندازه امکان تسلیم کردن جمهوری اسلامی ایران وجود دارد. پس برای این‌که تحریم‌های گذشته به شکست منجر نشود، می‌بایست تحریم‌های جدید به صورت مداوم تقویت گردند. در این وضعیت مشاهده می‌شود که از منظر اقتصادی خروج از برجام بر بودن در این سند برای دولت آمریکا ارجحیت دارد.

راهبرد (۲). براندازی جمهوری اسلامی ایران از طریق ایجاد بی‌ثباتی و تغییر رژیم

ادبیات تغییر رژیم یکی از مهم‌ترین مفاهیم مورد استفاده مقامات کاخ سفید در مواجهه با موضوع ایران است به نحوی که دولت آمریکا اعتقاد دارد خروج از برجام امکان فشار حداکثری بر جمهوری اسلامی ایران مبنی بر تغییر رفتار را فراهم نموده و آن را دستاورد بزرگی برای خود می‌داند. لذا تلاش می‌کند با ایران‌هراسی، ضمن قرار دادن ایران در موضع چانه‌زنی در شرایط ضعف و ایجاد زمینه لازم برای کاهش نقش ایران در محیط منطقه‌ای، در راستای سیاست خود مبتنی بر ایجاد بی‌ثباتی، تغییر و فروپاشی نظام جمهوری اسلامی ایران از درون به نوعی مسئله جمهوری اسلامی ایران را برای همیشه حل نماید.

اساساً این موضوع نشأت گرفته از آن است که جمهوری اسلامی ایران از زمان پیروزی انقلاب اسلامی، یک چالش اساسی و مهم در سیاست خارجی آمریکا بوده است. ایران که در گذشته در مرکز ثقل سیاست خارجی آمریکا قرار داشت با وقوع انقلاب اسلامی، تمامی مختصات راهبردی آمریکا در خاورمیانه را با چالش جدی روبرو ساخت. سیاستمداران آمریکایی پس از انقلاب اسلامی در ایران راهبردهای گوناگونی در سیاست خارجی خود برای مقابله با ایران به کار بردند که یکی از بارزترین این فشارها علیه ایران به بهانه مسئله هسته‌ای ایران بود (عبدالملطوب، ۱۳۹۲: ۱۰۸).

ایران از دیدگاه دولتمردان آمریکایی، رهبر اسلام انقلابی در جهان است. در مورد ایران هسته‌ای، دولت آمریکا با اعمال سیاست‌های ایران‌هراسی در صدد بازدارندگی و مهار ایران است (سیمبر، ۱۳۸۹: ۱۱۸). در خلال سه دهه گذشته سیاست خارجی آمریکا شامل اعمال فشار، تهدید نظامی و تحریم علیه ایران، دچار تغییر عمده‌ای نسبت به ایران نشده است و این دولت می‌کوشد همواره با ابزار فشار و تحمیل زور با ایران رویارویی کند. دلیل این مدعا متن استراتژی جدید و جامع دولت جدید آمریکا علیه ایران است که در اکتبر ۲۰۱۷ منتشر گردید. در این استراتژی، خنثی‌سازی نفوذ ایران در منطقه به‌عنوان یکی از اهداف سیاسی مطرح گردیده است (تابناک، ۱۳۹۶/۰۷/۲۱).

در واقع هدف سیاسی آمریکا در خروج از برجام فراتر از توافقی به نام برجام است. از آنجا که آمریکا نمی‌تواند ایران را به عنوان یک قدرت معنوی در منطقه غرب آسیا تحمل کند و ایران را مهم‌ترین مانع در مسیر خود برای سلطه بر منطقه و خلیج فارس می‌بیند لذا به دنبال پیاده‌سازی رژیم جدید جهانی مورد نظر خود در منطقه بوده و در این مسیر می‌کوشد منطبق با اهداف سیاسی دولت‌های گذشته آمریکا، به دنبال عملی کردن ایده تغییر رژیم در ایران باشد.

راهبرد (۳). مهار ایران از طریق محدودسازی برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران

اقتدار نظامی کشورها در سایه قدرت نظامی آن‌ها ایجاد می‌گردد و قدرت نظامی به عنوان ملموس‌ترین و سنتی‌ترین شکل قدرت ملی، جایگاه مهمی در پیشبرد اهداف و تأمین منافع ملی کشورها دارد. مقام معظم رهبری در بازدید از نمایشگاه صنعت دفاعی و دیدار با مسئولان و متخصصان وزارت دفاع با اشاره به موقعیت راهبردی جمهوری اسلامی ایران و همچنین حساسیت منطقه غرب آسیا و طمع دائمی قدرت‌های سلطه‌گر در خصوص ضرورت ارتقاء قدرت نظامی و توان دفاعی جمهوری اسلامی ایران می‌فرمایند: «برای تأمین امنیت ملت، کشور و آینده، باید علاوه بر توان دفاعی، توان تهاجمی را نیز افزایش داد.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۰۶/۱۰) این توان دفاعی بازدارنده علی‌الخصوص در بحث موشکی، یکی از چالش‌های بزرگ دولت آمریکا بوده و این کشور از منظر راهبردی، آن را تهدیدی جدی پیش روی اهداف و منافع خود می‌داند. از منظر دولت آمریکا برجام نه تنها نتوانسته است توانمندی‌های موشکی ایران را محدود نماید بلکه در دوران پس از برجام این توان موشکی افزایش نیز یافته است. آن‌ها انتظار داشتند پس از برجام به‌طور کلی ایران در منطقه محدود و مهار شود؛ لذا به‌منظور کاهش این اقتدار نظامی منطقه‌ای از طریق محدودسازی موشکی بازدارنده ایران، بارها تلاش نمودند ذیل مفاد قطعنامه ۲۲۳۱، برنامه

موشکی ایران را همسو با توسعه قابلیت‌های حمل کلاهک هسته‌ای جلوه داده و اقتدار نظامی ایران را در راستای اهداف خود در منطقه، کاهش دهند. آمریکا نگران است که ایران با توانایی موشکی خود، منطقه غرب آسیا را دچار تنش کرده و رقابت‌های تسلیحاتی را در این منطقه ژئواستراتژیک افزایش دهد. آمریکا بر این باور است که ایران موشکی، تهدیدی جدی علیه شریک راهبردی خود در غرب آسیاست. در واقع دولت آمریکا می‌خواهد در تقابل با ایران، توان نظامی ایران را تضعیف کند (عبدالمطلب، ۱۳۹۲: ۱۱۴).

از آنجا که موضوع نظارت، کنترل و محدودسازی برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران در سند برجام مطرح نگردیده و این توانمندی در حدی است که امروز قابلیت اعتنا به آن وجود داشته و دارای قدرت بازدارندگی برای جمهوری اسلامی ایران شده است، لذا مشاهده می‌شود که دولت آمریکا با ابراز نگرانی از این موضوع در بخشی از دکترین هسته‌ای جدید خود که تحت عنوان سند بررسی وضعیت هسته‌ای ۱ در سال ۲۰۱۸ منتشر می‌کند، موضوع نظامی و برنامه موشکی ایران را نیز هدف قرار می‌دهد. در این سند آمده است: «ایران کماکان به سرمایه‌گذاری در برنامه موشکی خود ادامه می‌دهد. این برنامه، بزرگ‌ترین برنامه موشکی در خاورمیانه است و اگر قرار باشد ایران بعد از انقضای برجام، با نقض ان‌پی‌تی و تعهدات خود، برای منع اشاعه تسلیحاتی به سلاح‌های هسته‌ای دست پیدا کند، این برنامه می‌تواند به سلاح‌های هسته‌ای مجهز شود. ایران همچنین در حال توسعه سایر توانمندی‌های نظامی در زمینه‌های غیرهسته‌ای است که از آن جمله می‌توان به سامانه موشک‌های کروز و توانمندی‌های جنگ سایبری برای عملیات‌های تهاجمی اشاره کرد.» این سند همچنین اضافه می‌کند: «اقدام ایران در توسعه موشک‌های بالستیک پیشرفته و دقیق به این کشور توانمندی لازم برای تهدید نیروهای آمریکا و متحدان و شریکان این کشور در داخل و خارج از منطقه را می‌دهد.» (راهبرد معاصر، ۱۳۹۶/۱۱/۱۶) در واقع حساسیت موضوع در حدی است که دولت آمریکا در متن استراتژی جدید و جامع خود نیز این موضوع را با اهمیت ویژه‌ای مدنظر دارد و اعلام می‌کند: «ما با تهدیدهای ناشی از موشک‌های بالستیک و سایر سلاح‌های نامتقارن علیه ایالات متحده و متحدانمان مقابله خواهیم کرد.» (اندیشکده برهان، ۱۳۹۶/۰۸/۰۶) همچنین در ذیل بندهای مربوط به برجام، این استراتژی به‌طور مشخص به عدم اجازه به بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به سایت‌های نظامی و همچنین گسترش فعالیت تولید موشک‌های

بالتستیک توسط ایران اشاره می‌نماید. از آنجا که پذیرش ایران موشکی با توان بازدارندگی بالا در منطقه غرب آسیا برای آمریکا قابل درک نبوده و ایران را مهم‌ترین مانع در مسیر پیاده‌سازی اهداف خود و هم‌پیمانانش در سلطه بر منطقه می‌بیند، لذا با خروج از برجام تلاش می‌کند در راستای مهار ایران اهداف خود را از طریق محدودسازی توان نظامی و موشکی ایران را پیاده سازد.

راهبرد (۴). حل چالش منطقه جنوب غرب آسیا از طریق بازآرایی قدرت و کاهش نفوذ

منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

از منظر آمریکا توافق برجام و پذیرش ایران هسته‌ای منجر به حضور و اقتدار منطقه‌ای و هدایت مؤثر محور مقاومت در منطقه غرب آسیا در برابر سیاست‌های آمریکا و هم‌پیمانانش علی‌الخصوص رژیم صهیونیستی شده است، ضمن اینکه حضور مؤثر ایران در جبهه مبارزه با تروریسم تکفیری و ارتقای توانمندی‌های بازدارنده موشکی پس از برجام توانسته است جمهوری اسلامی ایران را در کنار هم‌پیمانان منطقه‌ای خود به عنوان یک قدرت فرامنطقه‌ای مطرح نماید. از آنجا که مسئله خاورمیانه و جنوب غرب آسیا با حضور دو بازیگر مورد وثوق ترامپ یعنی رژیم صهیونیستی و عربستان پاشنه آشیل آمریکا در سیاست خارجی است؛ لذا دولت آمریکا تلاش می‌کند تا با مهار ایران، این منطقه برای همیشه بازآرایی شود. از منظر آمریکا حل پایدار مسئله خاورمیانه به معنای تغییر وضعیت و تغییر رفتار بازیگران اصلی آن از جمله جمهوری اسلامی ایران در این منطقه خواهد بود. تلاش آمریکا برای فروش تسلیحات به رژیم عربستان و از سوی دیگر حمایت مستقیم از سیاست‌های رژیم صهیونیستی در منطقه و همچنین تأثیرگذاری این دو بازیگر اصلی در منطقه در حمایت از خروج دولت آمریکا از برجام را می‌توان در این راستا تفسیر نمود. چراکه:

اولاً رژیم صهیونیستی پس از توافق برجام با در معرض خطر دیدن موجودیت خود از طریق نقش مؤثر جمهوری اسلامی ایران در منطقه در مقابله مستقیم با سیاست‌های این رژیم تلاش می‌نماید تا این گزاره راهبردی را تقویت کند. این احساس خطر رژیم صهیونیستی ناشی از میان رفتن مسئله ایران است. مسئله‌ای که همواره اصلی‌ترین گزاره اسرائیل در کسب انواع منافع در صحنه‌های بین‌المللی بوده است (ناظمی اشنی، ۱۳۹۶/۰۸/۲۹).

ثانیاً حمایت دولت عربستان از این گزاره راهبردی به صورت موازی با رژیم صهیونیستی است. چراکه ضمن هراس از نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه، آن را هم‌راستا با چشم‌انداز آینده خود می‌بیند. رقابت قدرت میان ایران و عربستان در منطقه، اگرچه دارای قدمتی طولانی است، اما

در دوران حضور داعش شدت گرفت و با آغاز دوران پساداعش می‌تواند در قالب‌های دیگری بازتولید شود. به این ترتیب عربستان تلاش خواهد کرد تا هم نفوذ ایران در منطقه کاهش یابد و هم از توانمندی ایران در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تبدیل ایران به قدرت بزرگ منطقه‌ای کاسته شود. از منظر عربستان تحقق برجام می‌توانست زمینه‌ساز رشد سریع اقتصادی و فناورانه ایران در منطقه شود، به این ترتیب همسو با رژیم صهیونیستی با خروج آمریکا از برجام ابراز خشنودی نمود و بر آن تأثیرگذار بود.

به این ترتیب آمریکا تلاش می‌کند پس از خروج از برجام ضمن کاهش میزان نفوذ ایران در منطقه به یک تقسیم کار منطقه‌ای با بازیگران اصلی از طریق موازنه قدرت و مهار چندگانه دست یابد. در این وضعیت گام کلیدی کاهش مناطق تحت نفوذ ایران و حذف ایران از بازیگری در منطقه است. در مقابل پیگیری موازی جهت تقویت و حمایت شدید از رژیم صهیونیستی و عربستان در جهت بازبینی و موازنه قدرت منطقه‌ای است که قدرت آن‌ها به واسطه شکست داعش رو به کاهش گذاشته است.

راهبرد (۵). انزوای ایران از طریق وادار نمودن جمهوری اسلامی ایران به نقض برجام ترامپ تلاش می‌کند با القای ایراد بر مفاد قطعنامه ۲۲۳۱ از منظر درون‌متنی متناسب با بندهای غروب برجام با استفاده از فشارهای سیاسی و دیپلماتیک بر سایر کشورهای عضو توافق و جامعه جهانی، ایران را به عنوان تهدید علیه صلح و امنیت منطقه و نظام بین‌الملل معرفی نموده و از این طریق با اجماع‌سازی جهانی علیه ایران، جمهوری اسلامی ایران را به دوران پیش از برجام بازگرداند. بر اساس این راهبرد، اصلی‌ترین سیاست‌های آمریکا در قبال ایران عبارتند از: نشان دادن غیرقابل اعتماد بودن ایران، تحریک برای نقض برجام و ایجاد اجماع علیه ایران (ناظمی اشنی، ۱۳۹۶/۰۸/۲۹).

به منظور دستیابی به سیاست‌های فوق، تنها یک راه وجود دارد که می‌تواند آمریکا را به آن‌ها نزدیک کند: نقض برجام توسط ایران به همین دلیل تحریک ایران برای نقض برجام یک تاکتیک اصلی برای این راهبرد کلیدی آمریکا است. پیش‌فرض آمریکا در اجرای این تاکتیک تکیه بر یک پیش‌فرض قدیمی در میان دولتمردان این کشور است: دوگانگی حاکمیت در ایران به این ترتیب آنان این فرضیه را دنبال می‌کنند که دودستگی در میان حاکمیت ایران، امکان نقض برجام توسط ایران را افزایش می‌دهد، پس بهتر است ایران برای نقض هرچه سریع‌تر برجام تحریک شود. در

راستای تحقق این راهبرد، تلاش خواهند کرد تا از طریق برانگیختن احساسات عمومی و اقدام به فعالیت‌های تحریک‌آمیز طرفداران نقض برجام، احتمال نقض برجام توسط ایران را افزایش دهد.

راهبرد (۶). جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی ایران به مزایای برجام از طریق نقض

قطعنامه ۲۲۳۱

دولت آمریکا پس از خروج از برجام با اعمال تحریم‌های شدید به نوعی توانسته است ایران را از دستیابی به بخش قابل توجهی از مزایای برجام باز دارد. در این راستا می‌توان به استنکاف شرکت‌های بین‌المللی از سرمایه‌گذاری در ایران و عدم پایبندی به توافقات خود به جهت قرار نگرفتن در لیست تحریم‌های دولت آمریکا عنوان نمود. با توجه به این سیاست دولت آمریکا، ایران عملاً نتوانسته است به‌طور کامل از مزایای اقتصادی برجام بهره‌مند شود. در این راستا باید گفت برجام متعلق به آمریکا و یا ایران نیست، بلکه توافقی بین‌المللی است که اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد در قالب قطعنامه ۲۲۳۱ آن را تأیید کرده‌اند. این در حالی است که آمریکا با نقض تعهدات خود سایر کشورها را نیز به دلیل پیروی از آن مجازات می‌کند. دولت آمریکا تلاش می‌کند به هر نحو ممکن ایران را از دستیابی به بخش قابل توجهی از مزایای برجام باز دارد.

نتیجه‌گیری:

برجام یک توافق بسیار حساس و الگویی برای حل یک موضوع مهم در عرصه بین‌المللی بود که شورای امنیت سند آن را به قطعنامه تبدیل کرد و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با انتشار گزارش‌هایش از جهت همکاری فعالانه و به‌موقع، پایبندی ایران را به آن تأیید نمود؛ اما دولت آمریکا در راستای تقابل با جمهوری اسلامی ایران منطبق با دکترین و استراتژی‌های دائمی خود، علی‌رغم انجام تعهدات از سوی ایران، در رویکردی یکجانبه‌گرایانه از این توافق خارج شد و همزمان تحریم‌های شدیدی را علیه ایران وضع نمود. در این راستا تحقیق حاضر با طرح پرسش اصلی از راهبردهای آمریکا در خروج از برجام علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و به منظور تحلیل چرایی موضوع، پس از بررسی رویکرد دو بازیگر اصلی توافق یعنی جمهوری اسلامی ایران و آمریکا نسبت به برجام، با استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق در پنج حوزه اصلی به تبیین موضوع پرداخته است.

بر اساس نتایج به دست آمده مشخص گردید می‌توان به ترتیب اولویت، راهبردهای دولت آمریکا را پس از خروج از برجام علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در شش حوزه اصلی شامل: وادار به تسلیم نمودن جمهوری اسلامی ایران از طریق اعمال تحریم‌های شدید اقتصادی،

براندازی جمهوری اسلامی ایران از طریق ایجاد بی‌ثباتی و تغییر رژیم، مهار ایران از طریق محدودسازی برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران، حل چالش منطقه جنوب غرب آسیا از طریق بازآرایی قدرت و کاهش نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، انزوای ایران از طریق وادار نمودن جمهوری اسلامی ایران به نقض برجام و جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی ایران به مزایای برجام از طریق نقض قطعنامه ۲۲۳۱، دسته‌بندی و تحلیل نمود.

در نهایت آنچه را که می‌توان از راهبردهای برشماری شده نتیجه گرفت این است که اولاً رویکرد دولت‌های آمریکا از ابتدای انقلاب تاکنون نسبت به جمهوری اسلامی ایران تغییری نداشته، در ثانی منطق با الگوی آمریکایی هژمونی غرب به مصداق بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) که در دانشگاه فرهنگیان فرمودند: بارها گفته بودیم «به آمریکا اعتماد نکنید»، این هم نتیجه‌اش، (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۷/۰۲/۱۹) هرگونه اعتماد به دولت‌های آمریکایی علی‌الخصوص دولت جدید آمریکا نتیجه و بهره‌ای در پی نخواهد داشت، چراکه ایران قدرتمند در منطقه غرب آسیا از هیچ منظری برای آمریکا و متحدانش در منطقه قابل پذیرش نبوده و دشمنی دائمی آن‌ها با این نظام تمامی ندارد بلکه تمام تلاش آن‌ها بر این است که بتوانند بر ایران مقتدر و دارای موقعیت راهبردی تسلط یابند.

پیشنهاد: با توجه به نتایج و دستاوردهای تحقیق می‌توان پیشنهادات زیر را بیان نمود:

- از آنجا که شرایط محیطی در منطقه و جهان متناسب با وضع موجود و خروج آمریکا از برجام در حال تغییر است، لذا ضرورت دارد سازواری و تطابق با این تغییرات از سوی ایران در راستای ارتقای ظرفیت‌های ملی در تمامی جنبه‌های آن مدنظر قرار گرفته و در اولویت باشد.

- از آنجا که برجام توانست اهداف کوتاه‌مدت ایران را برآورده سازد و اشتباه محاسباتی و عدم توانایی در دستیابی به اهداف ترسیم شده می‌تواند به پاشنه آشیل حریف منجر شود، لذا متناسب با شرایط حساس کنونی ضرورت دارد با تدبیر در فرمایشات مقام معظم رهبری در ارتباط با شیطان بزرگ و درس آموزی از بیانات ارزنده ایشان در ارتباط با موضوع پژوهش، توانایی‌ها و مقدرات کشور و نظام با امکان‌سازی مجدد مورد بازبینی قرار گرفته و بر اساس اولویت‌بندی در جهت دستیابی به اهداف و مقابله با ترفند طرف مقابل به نحوی اقدام شود که ضمن حفظ انسجام و اقتدار ارکان نظام، عزت و منافع ملی نیز تأمین شود.

منابع:

- امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، *مجموعه بیانات* (سخنرانی در دانشگاه فرهنگیان-۱۳۹۷/۰۲/۱۹)، قابل دسترسی در: www.khamenei.ir
- امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، *مجموعه بیانات* (سخنرانی در دیدار با کارگران-۱۳۹۷/۰۲/۱۰).
- امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، *مجموعه بیانات* (سخنرانی در دیدار با مسئولان و متخصصان وزارت دفاع-۱۳۹۵/۰۶/۱۰)
- افتخاری، اصغر، (۱۳۸۰)، *امنیت جهانی: رویکردها و نظریه‌ها*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- افراسیابی، کاوه؛ انتصار، نادر؛ جعفری، سعید؛ فقیهی، روح‌الله، (۱۳۹۵)، *ماراتن مذاکرات هسته‌ای (از سعادت‌آباد تا کویبورگ)*، تهران: نشر قومس.
- جمعی از نویسندگان، (۱۳۹۵)، *برجام؛ سیاست‌ها، دستاوردها و الزامات*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- خلیلی، رضا، (۱۳۹۵)، *تأثیر برجام بر جایگاه و منزلت منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- خلیلی، رضا، (۱۳۹۵)، *پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی برجام*، رویکردی استراتژیک، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نوزدهم، شماره ۲، تابستان.
- خلیلی، رضا، (۱۳۹۴)، *پیامدهای نظامی، دفاعی و امنیتی برجام*، ماهنامه برآورد، سال سوم، شماره ۳.
- رضایی پیش‌رباط، صالح، (۱۳۹۵)، *دستاوردهای حقوقی برجام*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سیمبر، رضا، (۱۳۸۹)، *سیاست خارجی آمریکا و تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران*، دانش سیاسی، سال ششم، شماره ۲، پاییز و زمستان.
- عبدالمطلب، عبدالله، (۱۳۹۲)، *راهبرد سیاست خارجی آمریکا در قبال انقلاب اسلامی ایران: تداوم یا تغییر*، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۷، تابستان.
- فتاحی زفرقندی، علی، (۱۳۹۴)، *بررسی ابعاد حقوقی برجام در نظام جمهوری اسلامی ایران*، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
- کریمی‌مله، علی، (۱۳۸۳)، *تأملی معرفت‌شناسانه در مسئله امنیت ملی از نگاه امام خمینی (ره)*، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفتم، شماره ۴، زمستان.
- میراحمدی، فاطمه‌سادات، (۱۳۹۷)، *خروج آمریکا از برجام و پیامدهای آن*، ماه‌نگار راهبردی دیده‌بان امنیت ملی، شماره ۷۴، خرداد.

- میرزاده کوهشاهی، مهدی، (۱۳۹۵)، *بحران‌های منطقه‌ای و فرصت‌های نظامی و امنیتی ناشی از برجام*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- یزدان‌فام، محمود، (۱۳۹۷)، *برجام بدون آمریکا: گزینه‌ها و راهبردها*، ماه‌نگار راهبردی دیده‌بان امنیت ملی، شماره ۷۴، خرداد.
- یزدان‌فام، محمود، (۱۳۹۷)، *آمریکا و برجام: گزینه‌ها و راهبردها*، ماه‌نگار راهبردی دیده‌بان امنیت ملی، شماره‌های ۷۲ و ۷۳، اردیبهشت.
- پایگاه اطلاع‌رسانی تابناک (۱۳۹۶/۰۷/۲۱)، *متن استراتژی جدید و جامع آمریکا علیه ایران*، قابل دسترسی در: <https://www.tabnak.ir>
- خرم، علی، (۱۳۹۴/۱۱/۰۶)، *منافع اجرای برجام برای ایران و جهان*، قابل دسترسی در: <http://www.irdiplomacy.ir>
- راهبرد معاصر (۱۳۹۶/۱۱/۱۶)، *نگاهی به دکترین جدید هسته‌ای آمریکا و آنچه درباره ایران در این سند منتشر شده است*، قابل دسترسی در: <https://www.rahbordemoaser.ir>
- ناظمی‌اشنی، امیر، (۱۳۹۶/۰۸/۲۹)، *آینده ترامپ و ایران*، قابل دسترسی در: <http://www.css.ir>
- یزدان‌پناه، محمد، (۱۳۹۴/۰۵/۲۶)، *پیامدهای منطقه‌ای برجام برای جمهوری اسلامی ایران*، قابل دسترسی در: <https://www.tabnak.ir>

